

## تبیین جامعه‌شناختی مولفه‌های اجتماعی و فرهنگی مرتبط با خانواده‌گرایی (مورد مطالعه: استان کهگیلویه و بویراحمد)

سیدحسین حسینی<sup>۱\*</sup>، رضا اسماعیلی<sup>۲</sup>، اصغر محمدی<sup>۳</sup>

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، دهقان، ایران.

۲- استادیار مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوراسگان، ایران.

۳- استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

### چکیده

در فرایند گذار جامعه ایران از سنتی به مدرن عناصر ساختار فرهنگی جامعه در هم شکسته شده‌اند. خانواده‌گرایی یکی از عناصر سنتی ساختار فرهنگی است که در جامعه ما اهمیت فراوان دارد و یکی از مهمترین ارزش‌های وابسته به فرهنگ در هر جامعه است که به الگویی از سازمان اجتماعی اشاره می‌کند و به عنوان بخشی از یک نگاه سنتی جامعه است که بر نگرش‌های وفاداری، اعتماد و همکاری در بین گروه خانواده تاکید می‌کند. چهارچوب نظری با استفاده از تبیین‌های ساختاری (نظریه مدرنیزاسیون، گذار جمعیتی دوم) و تبیین‌های ایده‌ای و ارزشی (نظریه ایده‌ال‌یسم توسعه، دگرگونی ارزش‌های اینگلهارت) است. روش تحقیق پیمایشی بوده و جامعه آماری، متشکل از مردان و زنانی ساکن در سه شهر که خانواده را تجربه نمودند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران برای جمعیت‌های بزرگ، ۴۲۰ نفر محاسبه و بر اساس نمونه‌گیری سهمیه‌ای متناسب با تعداد خانواده‌ها در شهر محل سکونت

انتخاب شده‌اند. داده‌ها با کمک پرسشنامه جمع آوری شده و با استفاده از نرم افزار SPSS و Amos و اندازه گیری ضریب همبستگی و تاثیر نتایج داد که میزان خانواده گرایی در سه شهر بالا است و از شش فرضیه مورد بررسی نتایج حاصله نشان می دهد که هر شش متغیر سرمایه اجتماعی و دینداری، سبک زندگی، تعلق اجتماعی و نوگرایی و هویت اجتماعی رابطه معنادار با خانواده گرایی داشته‌اند.

**واژه‌های کلیدی:** خانواده گرایی، دینداری، سرمایه اجتماعی، نوگرایی، سبک زندگی، تعلق اجتماعی و هویت اجتماعی.

### مقدمه و بیان مسأله

خانواده سازه‌ای است اجتماعی که متأثر از عوامل مختلف اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، اقتصادی و سیاسی در ادوار مختلف شکل می‌گیرد و دگرگون می‌شود. در نتیجه تغییرات آن همراه و یا در پی تغییرات جامعه، تحت مطالعه قرار می‌گیرد. خانواده به همان میزان که متأثر از عوامل کلان ساختاری هست تحت تاثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی سطوح خرد قرار می‌گیرد. با گسترش فرایندهای نوسازی، مدرنیته و اخیراً جهانی شدن از طریق واسطه‌هایی چون شهر نشینی، توسعه نظام اداری و توسعه نظام آموزشی مدرن، توسعه شبکه‌های حمل و نقل و ارتباطات، بهداشت مدرن و ... تحولات بینادینی در زمینه‌های اقتصادی اجتماعی و فرهنگی در جهان زیست اجتماعی جامعه ایران ایجاد شد که منجر به ایجاد نظم جدیدی در سبک زندگی، ارزش‌ها، رفتارها، شیوه‌های تفکر و ابعاد اجتماعی و فرهنگی آن شد. ارزش‌ها و نمادها و هنجارهایی که الزامات و نیازهایی جدیدی را فراهم آوردند. از این رو دیگر نمی‌توان از یکدستی جامعه گذشته سخن گفت، بسیاری از عناصر سنتی ساختار فرهنگی اجتماعی جوامع در هم شکسته شد. به دنبال این تغییرات، سرنوشت افراد دیگر تحت عوامل خارج از آن‌ها، مانند محیط زندگی خانوادگی، طبقه، جنسیت نیست، بلکه با گسترش فرآورده‌های مدرنیته و جهانی شدن ورشد نهادهای اجتماعی و فرهنگی، افراد تا حدود زیادی از تسلط عوامل پیشین خارج شده‌اند، این فضای جدید مروج آزادی‌های فردی، رقابت، عقلانیت، پیشرفت، خودشکوفایی و کارافرینی سبب شد که برداشته‌های فرایندهای فردی شدن افزوده شود و بیش

از پیش زندگی اجتماعی تبدیل به امری انتخابی با برنامه ریزی‌های شخصی شود. به دنبال این تغییرات نهادخانواده که قدمت آن به ابتدای تاریخ بشر می‌رسد و همواره پایدارترین و موثرترین وسیله حفظ ارزش‌های مشخص فرهنگی و وسیله انتقال این ارزش‌ها به نسل بعد از طریق وظیفه مهم اجتماعی کردن افراد بود. مانند هر نهاد دیگری از این تغییرات متاثر شد، اگر نتواند خود را با شرایط جدید منطبق سازد، وبه نحو صحیح و منطقی به نیازها و الزامات جدید اعضا پاسخ ندهد دچار تزلزل و از هم پاشیدگی خواهد شد.

در عصر حاضر خانواده حداقل در صورت سنتی خود تحت فشارهای اجتماعی و فرهنگی بسیاری قرار گرفته است. کمتر کسی هست که باور به تغییرات خانواده نداشته باشد، شواهد آماری، اجتماعی، و فرهنگی حکایت از افزایش سن ازدواج، کاهش نرخ باروری، افزایش انتظار از زندگی، کاهش درخواست فرزند خواهی، افزایش آمار طلاق و جدایی، تغییر روابط اجتماعی درون خانواده و ... همه حکایت از تغییر تغییر خانواده دارد (لیبی، ۱۳۹۲: ۵۸ با اندکی تغییر) از آنجایی که خانواده همواره پایدارترین و موثرترین ابزار حفظ ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی است که پایداری و دوام آن در وهله اول در گروه حفظ و نگهداشت ارزش‌های آن است. یکی از این ارزش‌ها خانواده‌گرایی است. خانواده‌گرایی یکی از ارزش‌های وابسته به فرهنگ است که به الگویی از سازمان اجتماعی اشاره می‌کند، و بر نگرش‌های وفادری، اعتماد و همکاری بین اعضای خانواده تاکید می‌کند. خانواده‌گرایی نقش مثبت و سازنده‌ای بر سازگاری زوجین و تحکیم و ثبات خانواده دارد، (پونزتی، ۲۰۰۳: ۱۸)، ولی مطالعات نشان می‌دهد که این ارزش فرهنگی در فرهنگ‌های مختلف در حال تغییر است (نایت، ۲۰۱۰: ۴۸). کارکردها تعاملات و ارزش‌های خانوادگی با اینکه در برابر فشارهای حاصله از دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی مقاومت می‌کنند، به اعتقاد بهنام در عین حال سست شده و به تدریج به نفع هنجارهای تازه به حاشیه رانده می‌شوند و کنار گذاشته می‌شوند (بهنام، ۱۳۸۳: ۹۶).

بخش وسیعی از این تغییرات در قالب تغییرات اجتماعی و فرهنگی باعث بروز تعارض و چالش در درون خانواده شده است. پژوهشگران حوزه خانواده در داخل به جنبه‌هایی از این تعارضات و چالش‌های درونی خانواده از منظر و زوایای مختلفی پرداخته‌اند، اما مطالعه‌ای که

به ارتباط تغییرات اجتماعی و فرهنگی سطوح خرد با خانواده گرایی به صورت یک مجموعه پیردازد صورت نگرفته یا حداقل نگارنده به آن دسترسی پیدا نکرده است. از این رو بر آن شده ایم که با بهره گیری از مطالعات پیشین ارزش فرهنگی خانواده گرایی را در جامعه کوچکی از ایران با در نظر گرفتن تغییرات اجتماعی و فرهنگی سطوح خردسه گانه خرد، متوسط، کلان مرتبط با خانواده بررسی کنیم. خانواده در نگاه پارسونزی واحدی مجزا از سایر خرده نظام‌های اجتماعی نیست. دگرگونی در آنها موجب دگرگونی در خانواده نیز می‌شود. از این حیث برای تبیین خانواده گرایی می‌توان دگرگونی‌های نظام اجتماعی از قبیل تعدد منابع هویت ساز؛ جایگزین شدن‌های سازمان‌های حمایتی به جای خانواده، فراهم شدن فرصت‌های انتخاب‌های متعدد، تنوع در سبک‌های زندگی، تنوع در اشکال خانواده و دگرگونی‌های نظام فرهنگی از فرهنگ محلی به فرهنگ ملی و جهانی، گسترش رسانه‌های توده‌ای، شکسته شدن حریم خصوصی، ورود ارزش‌های جدید خانوادگی، نزدیک شدن وثبات هنجارها و رفتارهای خانوادگی، زوال کنش‌های مذهبی و سنتی و تغییر هنجارها و رفتارهای اجتماعی مرتبط با خانواده از قبیل طلاق، بالارفتن سن ازدواج؛ کاهش میل به فرزند آوری، کاهش ارتباطات متقابل در خانواده، و... را در منظومه‌ای از عوامل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با خانواده جستجو کرد. شدت و سرعت این تغییرات با دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی ارتباط نزدیک دارد که در عصر حاضر در بستر فرایندهای مدرنیته و جهانی شدن منجر به تغییراتی در درون خانواده ایرانی شده است.

برهمن اساس خانواده در متن خود نوعی تحولات ساختاری، ارزشی، کارکردی و هنجاری ونگرشی دارد. ایران بعنوان جامعه‌ای در حال گذار در سده اخیر با موج فزاینده شهر نشینی مواجه شده است به گونه‌ای که شهرنشینی از ۳۵ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۷۴ درصد جمعیت ایران بر اساس سرشماری (۱۳۹۵) (مرکز آمار ایران، گزیده نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵، درگاه ملی آمار ایران) رسیده است. یکی از استانهای در حال گذار ایران استان کهگیلویه و بویراحمد است که بعد از انقلاب اسلامی و آغاز موج سوم نوگرایی و مدرنیته در ایران به سرعت شهرنشینی را تجربه کرده است. سرعت شهرنشینی واز جا کندن روستائیان و استقرار در شهرهای نوپای استان به همراه موج نوگرایی و مدرنیته و تجربه جهانی شدن، منجر

به تغییرات زیادی در حوزه اجتماعی و فرهنگی واقتصادی شده است. بررسی آمارها نشان می‌دهد که در سال ۱۳۷۰ نسبت ازدواج به طلاق در استان کهگیلویه و بویراحمد ۲۸/۵ ازدواج ثبت شده در مقابل یک مورد طلاق بوده، در سال ۱۳۸۰ نسبت مذکور به ۲۲ مورد ازدواج در برابر یک مورد طلاق رسیده است در سال ۱۳۹۰ نسبت فوق به ۱۶ مورد ازدواج در مقابل یک مورد طلاق گزارش شده است. (درگاه ملی مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰)

روند افزایش میزان طلاق همچنان ادامه داشته به گونه ای که در برابر ۷/۱ ازدواج ثبت شده یک مورد طلاق در سال ۱۳۹۵ به ثبت رسیده است (ثبت احوال استان، گزارش آماری سال ۱۳۹۵) این آمار گویای کاهش تمایل به ازدواج در طی یک دوره بیست ساله، و از طرفی میزان از هم پاشیدگی خانواده‌ها در استان است. بررسی بعد خانواده‌های استان در سال ۱۳۷۰ نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی مربوط به خانواده‌های ۸ نفره و یا بیشترین فراوانی ۲۸/۵ درصد بوده است. در حالی که در سرشماری سال ۱۳۹۵ بیشترین فراوانی مربوط به خانواده‌های سه نفره با فراوانی ۳۵/۳ درصد است (مرکز آمار ایران، گزیده نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵، درگاه ملی آمار ایران) این آمارها نه تنها نشان می‌دهند که تمایل به ازدواج و تشکیل خانواده در استان تغییر محسوسی نموده بلکه حتی خانواده در سایر جنبه‌ها نیز دچار دگرگونی شده‌اند. دگرگونی به این ابعاد محدود نمی‌شود، بلکه خانواده در سایر ابعاد ارزشی و محتوای درونی نیز دچار دگرگونی شده‌اند، بنابراین می‌طلبند که به خانواده و ارزش‌های آن به صورت ویژه توجه شود.

با بررسی جامعه‌شناختی مولفه‌های اجتماعی (سرمایه اجتماعی، هویت اجتماعی و تعلق خویشاوندی)، مولفه‌های فرهنگی (دینداری، سبک زندگی و نوگرایی) مرتبط با خانواده‌گرایی در بین خانواده‌های شهری استان کهگیلویه و بویراحمد به تغییر و تحول در این ارزش فرهنگی در جامعه تحقیق پرداخته می‌شود.

### پیشینه تحقیق

خانواده و ویژگی‌های آن در طول تاریخ همواره مورد توجه اندیشمندان و صاحب نظران بوده، مطالعه خانواده در میان جامعه‌شناسان با بررسی‌های ویلهلم هاینریش ریل از آلمان و

فردریک لوبلی از فرانسه، درباره خانواده قرن نوزدهم در اروپا شروع شد. آنان شاهد فروپاشی خانواده گسترده و تبدیل آن به خانواده هسته ای بودند. (اعزازی، ۱۳۸۶: ۱۳). گود در اثر خود، خانواده و جامعه، به مطالعه و بررسی تاریخی درباره خانواده پرداخته و درباره تغییرات خانواد و ابعاد آن پرداخت. (گود، ۱۳۵۲: ۳۱۶-۲۷۷). با بررسی به عمل آمده و مروری بر سایر تحقیقات، پژوهشی که مشابه این تحقیق به بررسی مولفه های اجتماعی و فرهنگی مرتبط با خانواده گرایی پرداخته باشد ملاحظه نشده و این موضوع پژوهش حاضر را از این حیث متمایز جلوه می کند. در زیر به تعدادی از این تحقیقات که در بخشی از متغیرهای این با این پژوهش قرابت دارند آورده می شود.

امامی اردستانی، پریخ، (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه مدرنیته با خانواده گرایی در بین خانواده های شهر اصفهان با استفاده از پیمایش و تحلیل آماری با نرم افزار spss انجام داده است. نتایج نشان می دهد که ۰۰/۱۷/۴ درصد تغییرات در خانواده گرایی به وسیله متغیرهای مستقل قابل تبیین است. متغیرهای عقلانیت، کمیت و کیفیت رسانه ها و تحصیلات پدر تاثیر مستقیمی بر خانواده گرایی داشته اند. و متغیرهای فرد گرایی، نگرش به اشتغال زنان و سرمایه فرهنگی تاثیر غیر مستقیمی از طریق اثر گذاری بر متغیر عقلانیت با بر روی خانواده گرایی تاثیر می گذارند. با این توصیف فرضیه اصلی تحقیق که رابطه بین مدرنیته و خانواده گرایی بود تایید شد. و مشخص شد که بین مدرنیته و خانواده گرایی رابطه معنی دار و مستقیمی وجود دارد. جامعه از حیث ذهنی و عینی مدرن شده اما خانواده همچنان به عنوان یک نهاد مهم در جامعه بوده و خانواده گرایی بالاست.

وکیل احمدی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان نقش گذار جمعیتی در تغییرات جامعه شناسی خانواده، با استفاده از تئوری گذار جمعیتی دوم به بررسی تغییرات در خانواده پرداخته است. نتایج حاصل از پژوهش ایشان نشان می دهد که ساختار خانواده در کشورها براساس مراحل گذار جمعیتی متفاوت است. کشورهایمانند مالی، بورکینافاسو، عراق، زامبیا و... که در مراحل ابتدایی گذار جمعیتی اول هستند، خانواده گرایی در بین آنها زیاد و نگرش نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده در آنها مثبت است. اما کشورهایی که در مرحله دوم گذار جمعیتی هستند مانند سوئد، فنلاند، فرانسه و... خانواده گرایی پایین و نگرش نسبت به ازدواج و

تشکیل خانواده منفی است به طوری که در کشوری مانند سوئد می‌توان از انحطاط خانواده سخن گفت. روند تغییرات ازدواج و نگرش نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده در کشورهای ایران، ترکیه، مصر، مالزی، و ... نشان می‌دهد که نقش عوامل فرهنگی و به ویژه آموزه‌های اسلامی در خانواده‌گرایی و تشکیل خانواده مهم است. بنابراین روند گذار جمعیتی دوم تک خطی نیست و برحسب ساختار فرهنگی کشورها متفاوت است، و همه کشورها در یک مرحله مشابه از گذار جمعیتی نیستند.

محمدجواد زاهدی، و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان تبیین جامعه‌شناختی تأثیر فرایند نوسازی در ساختار خانواده مقایسه نقاط شهری و روستایی در استان مازندران تغییرات ساختاری خانواده در بستر فرایند نوسازی در استان مازندران را بررسی کرده‌اند. یافته‌ها نشان داد که تفاوت معنی‌داری بین میانگین متغیرهای نوع خانواده، ساختار قدرت و نگرش به فرزندآوری نقاط شهری و روستایی با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ وجود دارد. نهاد خانواده و نظام خویشاوندی متأثر از فرایند و پیامدهای نوسازی، تغییر و تحولات عمیقی را در سطح عینی ساختار خانواده تجربه کرده است.

فرهمند، مهناز، و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی تأثیر مؤلفه‌های نوگرایی در حمایت خویشاوندی خانواده‌های شهر یزد پرداخته‌اند نتیجه تحقیق بیانگر این است ایران در این مدت دچار دگرگونی‌های زیادی شده است که ناشی از نوگرایی، کوشش‌های معطوف به مدرنیته و پیامدهای آن در جامعه و نهادهای اجتماعی است و نشانگر آن است که جامعه ایرانی تا حد زیادی در راه تجدد (مدرنیته) به جلو گام برداشته است و برخلاف آنچه گفته می‌شود این تغییرات در حد ظواهر نیست، بلکه در مواردی جنبه‌های ساختاری نیز داشته و برخی ساختارهای اساسی را در معرض تغییر داده است. از جمله این ساختارهای دستخوش دگرگونی، خانواده و ارزش‌های موجود در آن است. براساس یافته‌های پژوهش به موازات افزایش مولفه‌های نوگرایی از جمله عرفی شدن، فردگرایی، سودگرایی، عقلانیت، میزان حمایت خویشاوندی در بین جمعیت مورد مطالعه کاهش یافته و هرچند که سنت به طور کامل از بین نرفته و در عرصه عمومی سنت و مدرنیته در کنار هم هستند که در مواردی با هم ناسازگارند.

علی جنادله و و مریم رهنما (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان دگرگونی در الگوی متعارف خانواده ایرانی (تحلیل ثانویه داده‌های ملی در سال ۱۳۹۳) انجام داده اند. براساس این پژوهش خانواده متعارف ایرانی که دارای ویژگی‌هایی هم چون الگوی همسرگزینی مبتنی بر محوریت و موافقت والدین، عمومیت ازدواج و پایین بودن نسبی سن ازدواج، ممنوعیت روابط جنسی خارج از ازدواج، اهمیت فرزندآوری، حضور هر دو والد در خانواده و نگرش‌های جنسیتی سنتی است. امروزه به دلیل تغییرات ساختاری ناشی از نوسازی و هم‌چنین گسترش ارزش‌های مدرن - هم چون فردگرایی، استقلال و خودمختاری افراد - دگرگونی‌های مهمی را تجربه می‌کند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که خانواده همچنان از اهمیت زیادی برخوردار است، اما تحلیل داده‌های دو پیمایش مورد مطالعه و همچنین مقایسه نتایج در گروه‌های سنی مختلف نشان دهنده برخی تغییرات و تفاوت‌های معنی‌داری است که در صورت تداوم و گسترش، فارغ از داوری ارزشی و هنجاری در خصوص سمت و سوی این تحولات، خانواده متعارف را باچالش‌هایی روبرو خواهد ساخت.

لیبی، محمد مهدی (۱۳۹۲) در تحقیق خود نگرش نوین به تحول ارزش‌های خانوادگی در ایران مطرح ساخت که، خانواده‌های ایرانی با گذشت زمان از نظر ساختار و روابط درونی و حتی معنا و مفهومی که در این نوع روابط حاکم بوده، با تحولات گسترده روبرو بوده است. این تحولات بخش‌های مختلف را تحت تاثیر قرار داده است از روابط والدین و فرزندان، روابط زوجین، روابط خواهران و برادران، روابط خویشاوندی، تا موضوعاتی مانند تاخیر در سن ازدواج یا افزایش طلاق، و مانند اینها... را در بر گرفته است.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که خانواده ایرانی تحت تاثیر شش عامل مهم قرار گرفته است که عبارتند از: تغییر معنای سنتی زندگی خانوادگی، باور به تمایزات جنسیتی، غلبه الگوهای جدید همسرگزینی، تضعیف فضای گفتگو و تعامل در خانواده، تضعیف باورهای دینی و اعتقادات مذهبی، و غلبه تفکر فردگرایی به جای خانواده‌گرایی، در کنار ضعف باورهای اخلاقی، همچنین معنای سنتی زندگی خانوادگی که عمدتاً با توفیق مردان و عمودی بودن هرم قدرت معنا پیدا می‌کرد، دچار تحولاتی شده است. اما ارزش‌های خانوادگی از این نظر دچار تحول نشده است و اقتدار مردانه بعنوان یک ویژگی مثبت مورد پذیرش است.



۷- در تحقیقی که جمشیدیه‌ها، غلام رضا وهمکاران (۱۳۹۲) با عنوان تاثیر فرهنگ مدرن از نظر جنسیتی بر تحولات خانواده شهر تهران که با روش کیفی انجام شده است نتایج نشان می‌دهد که به لحاظ جنسیتی تفاوت‌های در خور ملاحظه‌ای در بین زنان و مردان در تعریف ویژگی‌های سنتی و مدرن، روایت آنها از دگرگونی ساختار و روابط خانوادگی، در جریان تحول خانواده، نحوه مواجهه و میزان پذیرش این تغییرات، و شکل‌گیری گفتمان‌های مختلف در این زمینه وجود دارد. بر اساس این پژوهش دگرگونی ساختار و نهاد خانواده یکی از پیامدهای فرآیند مدرنیته در غرب بود که محدود به آن کشورها نشده، بلکه سایر کشورها نیز در جاتی از آن را تجربه می‌کنند و خانواده‌ها به سوی دگرگونی ارزش‌ها و نگرش‌ها و باورها و روابط بین نقش‌ها پیش می‌رود.

رجبی و عباس پور (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان بررسی پایایی و روایی نسخه فارسی مقیاس خانواده‌گرایی در ایران، خانواده‌گرایی را یکی از مهم‌ترین ارزش‌های فرهنگی وابسته به هر فرهنگی دانسته‌اند که به الگویی از سازمان اجتماعی اشاره می‌کند و به عنوان بخشی از یک نگاه سنتی بر نگرش‌های وفاداری، اعتماد و همکاری متقابل در بین گروه خانوادگی تاکید می‌نماید تعریف کردند. خانواده‌گرایی یک مفهوم جهانی است، دارای سه بعد ساختاری، رفتاری و نگرشی می‌باشد. پژوهشگران به دلیل فقدان ادبیات نظری و پژوهش در ایران راغب شده‌اند که کاربست آنرا در کشور بررسی کنند. هدف این پژوهش بررسی ساختار عاملی اکتشافی و تأییدی نسخه فارسی مقیاس خانواده‌گرایی در بین دانشجویان مراکز تربیت معلم اهواز بود. تحلیل ماده‌ها نشان داد که این مقیاس از ویژگی‌های روان‌سنجی مناسب برخوردار است و همه‌ی ماده‌های آن به جز ماده‌های ۲) خانواده باید رفتار فرزندان کوچکتر از ۱۸ سال را کنترل کند) و ۱۶) هر فردی باید زمانی که والدین سالخورده‌اش به کمک نیاز دارند، به آنها کمک کند، مثلاً به آنها کمک مالی کند یا در خانه خودش از آنها مراقبت کند) به طور موثری در مفهوم پردازی مقیاس خانواده‌گرایی مشارکت دارند. ضریب آلفای کرونباخ مقیاس ۱۸ ماده‌ای خانواده‌گرایی در حد قابل قبول بود که بیانگر هماهنگی درونی مقیاس فوق است و ضریب به دست آمده با پژوهش‌های شوارتز، (۲۰۰۷) استیدل و کانتراس (۲۰۰۳) احد زیادی هم خوانی دارند.

عباسی شوازی و مک دونالد (۲۰۰۸) در پژوهشی با عنوان «تغییرات خانواده در ایران» با تأکید بر نقش مذهب، دولت، و انقلاب در این تحولات، به این سؤالات که: تحول خانواده تا چه حد تحت تأثیر تغییرات ساختاری یا نیروهای عقیدتی صورت گرفته است و کدام عناصر در خانواده بدون تغییر باقی مانده است؟ چنین پاسخ می‌دهند که تلفیق پیچیده‌ای از تغییر و مقاومت مشاهده می‌شود؛ به طوریکه، برخی جنبه‌ها بدون تغییر باقی مانده و برخی دچار تحولات شدید شده است. تغییرات عمدتاً در سطوح فردی و داخلی خانواده (تقسیم نقشها و نگرشهای جنسیتی در این زمینه، تصمیم درباره تعداد فرزندان، و... ) رخ داده و در سطح عمومی و بیرونی، تغییر بسیار کند و آرام صورت گرفته است. تغییرات بنیادی و چشمگیر در افزایش سن ازدواج و نیز کاهش چشمگیر میزان باروری طی سالهای پس از انقلاب تغییر معیارهای انتخاب همسر، و افزایش میزان طلاق از جمله نتایج این پژوهش تجربی است.

شکر بیگی، عالی و تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان جهانی شدن و تجدید گرایی و خانواده ایرانی گذار یا فروپاشی با اشاره به تغییراتی که جامعه ایران در اثر رویارویی با مدرنیته اتفاق افتاده است، به مقایسه نمره مقیاس خانواده گرایی در جوامع بر حسب سطح توسعه جوامع پرداخته اند. نمره مقیاس خانواده گرایی جوامع با توسعه بالا ۷/۷۲۹، جوامع با توسعه متوسط ۸/۶۵۲، جوامع با توسعه پایین ۸/۸۸۹ استبرای. ایران با نمره ۸/۴۴۲ و جهان ۸/۲۸ را بیان کرده‌اند این نتیجه گیری نشان می‌دهد میانگین مقیاس خانواده گرایی در ایران از میانگین مقیاس در سطح جهانی بالاتر است.

آقاجانیان (۲۰۰۱) در مطالعه خود به بررسی خانواده و تغییر خانواده در ایران پرداخته است و عوامل موثر بر این تغییرات را مورد بررسی قرار داده است. وی براین اعتقاد است که نهاد خانواده در جامعه کنونی ایران تحت نفوذ و تاثیر تمدن ایران قبل از اسلام، ارزشها و دکترینهای اسلامی، تلاشها و فعالیتهای نوسازی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، انقلاب اسلامی، هشت سال جنگ تحمیلی، و تلاشهای اخیر برای نوسازی اقتصادی و اجتماعی است. علاوه بر این نفوذهای تاریخی و تنوع قومی ایران همیشه الگوهای ازدواج و خانواده و خویشاوندی را تحت تاثیر قرار داده است.

در بخش دیگری از این تحقیق میانگین نمره مقیاس خانواده‌گرایی در کشورهای جهان را نشان می‌دهد که در خصوص ارزش‌های سنتی خانواده ایران در مقایسه با اکثر قریب به اتفاق کشورهای مسلمان، نوگراتر بوده است، و کشورهایی مسلمانی هم چون مصر، پاکستان، مراکش و اردن، نیجریه، اندونزی، الجزایر، ترکیه، آلبانی، وبوسنی و هرزگوین نسبت به ایران خانواده‌گراتر هستند و نگرش سنتی تری را در خصوص روابط والدین با فرزندان و کارکردهای خانواده و ازدواج اتخاذ نموده‌اند. مردم ارمنستان، اوگاندا، بنگلادش، و مقدونیه نگرش تقریباً نزدیکی به ایران در خصوص ارزش‌های خانوادگی دارند. کمترین میزان خانواده‌گرایی مربوط به کشورهای هلند، سوئد، و فنلاند است که بیشترین فاصله فرهنگی را با ایران دارند.

### چارچوب نظری تحقیق:

مطالعه ارزش‌های خانواده از جمله ارزش خانواده‌گرایی بدون در نظر گرفتن تغییرات خانواده در چند دهه اخیر در ایران، بی‌اثر و بی‌اعتبار خواهد بود. برای تجزیه و تحلیل وضعیت خانواده در ایران باید تحولات اجتماعی و فرهنگی ایجاد شده ایران را در سده اخیر در نظر داشته باشیم.

ارزش خانواده‌گرایی را در خانواده با در نظر گرفتن تحولات اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران بررسی کردیم. بر این اساس با مرور نظریه‌ها و پژوهش‌های داخلی و خارجی، مشخصاً در زمینه ارزش خانواده‌گرایی بررسی‌چندانی انجام نشده است. بنابراین این پژوهش با در نظر داشتن عوامل اجتماعی و فرهنگی متأثر از فرایندهای مدرنیته، جهانی شدن و مقاومت فرهنگی در برابر این فرایندها، خانواده و ارزش خانواده‌گرایی را در استان کهگیلویه و بویراحمد و در بین افرادی که تشکیل خانواده را تجربه کرده‌اند بررسی کنیم.

دیدگاه‌های مختلفی نسبت به هستی و تطور خانواده وجود دارد. که با نام‌های تبیین‌های ساختاری و تبیین‌های ایده‌ای و ارزشی به مطالعه خانواده پرداخته‌اند. ذیل تبیین‌های ساختاری دو نظریه مدرنیزاسیون و گذار جمعیتی دوم قرار دارد. نظریه مدرنیزاسیون که طراح آن ویلیام گود<sup>۱</sup> است فرآیند نوسازی را موجب تجدید ساختار جوامع از طریق صنعتی شدن، شهرنشینی،

افزایش آموزش، گسترش رسانه‌های گروهی و توسعه حمل و نقل و ارتباطات می‌داند. هریک از موارد فوق با تاثیر بر مولفه‌های اجتماعی و فرهنگی مرتبط با خانواده بر ارزش خانواده گرایی تاثیر گذاشته اند.

مدرنیزاسیون در سطوح فردی و اجتماعی با تاثیر گذاری بر مولفه‌های اجتماعی و فرهنگی بر خانواده گرایی تاثیر داشته اند به عنوان مثال با تاثیر گذاری بر زمان ازدواج منجر به طولانی شدن زمان ازدواج که منجر به تاخیر در فرزند آوری و همچنین کاهش آن می‌شود. در جریان مدرنیزاسیون خانواده محوری به فرد محوری و خانواده گرایی به خانواده زدایی تبدیل می‌شود همچنین فرایند مدرنیزاسیون با تغییر نگرش‌ها، ایده‌ها و ارزش‌های افراد جامعه همراه است، به طوری که امروزه ما آثار این تغییر نگرش‌ها را در حوزه خانواده و ازدواج شاهد هستیم. بخش مهمی از زندگی اعضای خانواده از جمله تصمیم گیری در مورد زمان ازدواج و تشکیل خانواده، انتخاب همسر، فرزند آوری، نام گذاری فرزندان، جدایی مکانی بعد از ازدواج، توسط خود افراد صورت می‌گیرد که خود نشانگرهایی از تغییر در خانواده گرایی هستند.

نظریه گذار جمعیتی دوم بر تاثیر هماهنگ عوامل اقتصادی و اجتماعی (بویژه تضعیف کنترل هنجاری و افزایش استقلال اقتصادی زنان)، فرهنگی (سکولاریزاسیون)، و فناوری مدرن (جلوگیری از حاملگی) بر تغییرات خانواده تاکید دارد. این عوامل، در کنار همدیگر، ترجیحات و سلیق افراد را به سمت فرد گرایی، آزادی و استقلال تغییر داده و در نتیجه باعث افزایش سن ازدواج، تاخیر در فرزند آوری و در نتیجه کاهش بعد و کوچکتر شدن خانواده شده اند.

طبق این نظریه، تمایل به تشکیل خانواده، فرزند آوری، در سراسر جهان بسیار کاهش داشته است. قوانین طلاق آزادی خواهانه و آسان شده است. تغییر ارزش‌های خانوادگی همچون خانواده گرایی در جوامع غیر غربی (مانند ایران) با وجود تفاوت‌های فرهنگی، مهم و قابل توجه است. تغییر از خانواده گرایی به فرد گرایی، ازدواج‌های تنظیم شده به ازدواج‌های مبتنی بر عشق و انتخاب، ازدواج در سنین پایین به ازدواج در سنین بالا. کاهش عمومیت ازدواج و افزایش تجرد. و ... است. بخشی از دگرگونی فرهنگی ایران محصول تغییر نگرش بوده است. این تغییر نگرش در میان نسل جدید به ویژه زنان و دختران بیشتر بوده و باعث شده تا با پافشاری بر

برخی زمینه‌هایی که امکان حضور و مشارکت بیشتری دارند به خواسته خود جامعه عمل پیوشانند (ایمان و سروش، ۱۳۹۲: ۵۱۰) یکی از مسائلی که زنان بر آن اثر گذاشتند، ارزش‌گذاری به خانواده و رفتارهای خانوادگی است.

در دسته تبیین‌های فرهنگی، نظریه ایده‌الیسم توسعه و دگرگونی ارزش‌های اینگلهارت با موضوع پژوهش در ارتباط هستند. تورنتون از نظریه پردازان رویکرد ایده‌الیسم توسعه درصدد بوده است که به بررسی ایده‌های مرتبط با توسعه و پیشرفت به عنوان آرمان مطلوب بشر بپردازد. در همین مسیر وی معتقد است که در سراسر جهان ایده‌هایی رواج یافته است که از مقبولیت و شهرت جهانی برخوردار شده‌اند و اکثر افراد در جهان به دنبال رسیدن به این ایده‌ها هستند. (تورنتون و همکاران، ۲۰۰۴: ۶-۵).

این ایده‌ها در تمام بسترهای زندگی اجتماعی افراد تاثیر گذاشته است. بر همین اساس افراد این ایده‌ها را آرمان خود قلمداد می‌کنند و تمام سعی خود را برای رسیدن به آنها انجام می‌دهند. اما به هر حال این ایده‌ها با ایده‌های سنتی و قدیمی افراد تعارض پیدا می‌کند و به همین دلیل تنش‌هایی را به وجود می‌آورند. نتیجه اینکه ایده‌الیسم توسعه از طریق وسایل ارتباط جمعی، تحصیلات، صنعتی شدن و شهرنشینی انتشار می‌یابد.

نظریه تغییرات فرهنگی رونالد اینگلهارت، اینگلهارت معتقد است که در کشورهای پیشرفته صنعتی به واسطه توسعه اقتصادی، و گسترش رسانه‌ها جمعی در سال‌های اخیر، تغییراتی در اولویت ارزشی افراد و گروه‌ها اجتماعی ایجاد کرده است. این امر به گونه‌ای بوده است که ارزش‌های افراد از ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرامادی در حال تغییر و تحول است. دوفرضیه کمیابی و فرضیه اجتماعی شدن در نتیجه رونق اقتصادی و ظهور دولت رفاه، بعد از دهه پنجاه میلادی در کشورهای غربی، جوانانی که بعد از این دوره متولد شده‌اند، نگرانی‌های اندکی نسبت به امنیت جانی و مالی نسبت به نسل‌های والدین خود داشته که اولی به دگرگونی‌های کوتاه مدت و دومی بر آثار بلند مدت نسلی اشاره دارند. ترکیب این دو فرضیه مجموعه یکپارچه‌ای از پیش‌بینی‌های مربوط به دگرگونی ارزش‌ها را پدید می‌آورد (اینگلهارت آبراهامسون، ۱۳۷۸: ۸۵). نتیجه این وضعیت، تمایز دیدگاه نسل‌های مختلف تاریخی در خصوص ارزش‌گذاری خانواده است. برای نمونه نسل متولدین دوره

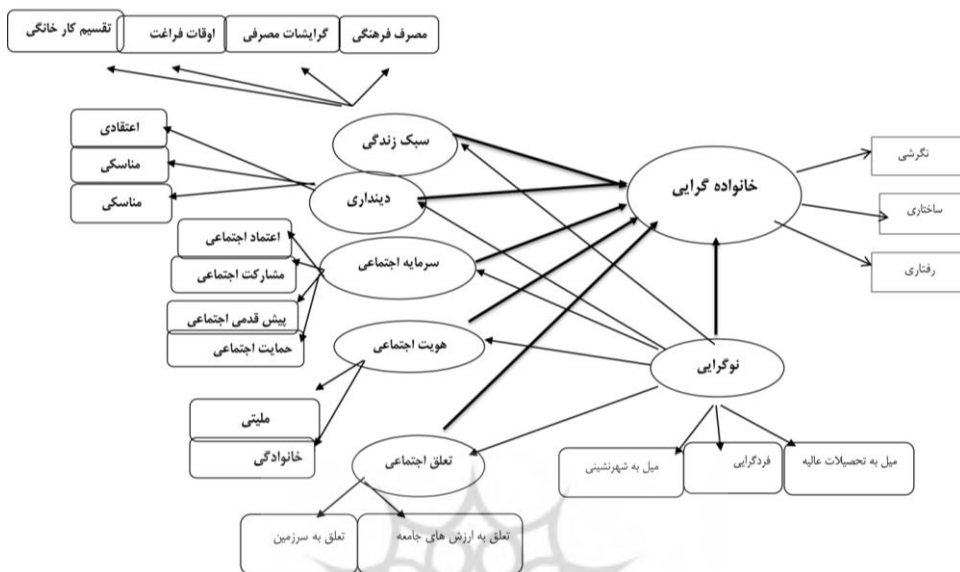
انقلاب و جنگ با توجه به تجارب تاریخی آن زمان و تغییر ساختارهای اقتصادی و دیدگاه‌هایشان به خانواده گرایی و اهمیت آن در زندگی خانوادگی متفاوت از نسل‌های پس از جنگ است. نسل‌های پس از جنگ و انقلاب بیشتر خواهان کیفیت زندگی و گریزان از برخی ارزش‌هایی خانواده همچون خانواده گرایی و ارزش‌های نهفته در آن هستند. با نزدیک شدن به دوره‌های اخیر، شدت تاثیر جهانی شدن بیشتر شده و خانواده گرایی و اهمیت خانواده معنای سنتی و قدیمی خود را در بین برخی از خانواده‌های آنها از دست داده است.

بر اساس نظریات فوق تغییرات ایجاد شده در مولفه‌های فرهنگی (نوگرایی، سبک زندگی و پنداری)، و مولفه‌های اجتماعی (سرمایه اجتماعی، هویت اجتماعی، و تعلق اجتماعی). بر خانواده گرایی موثر است.

گیدنز بر این عقیده است که با کاهش نفوذ سنت و بازسازی زندگی روزمره بر حسب عوامل جهانی و محلی، افراد ناچارند شیوه‌های زندگی خود را از میان گزینه‌های مختلف برگزینند. در این میان، اگر چه عوامل یکسان ساز و استاندارد کننده هم وجود دارد. اما به دلیل "باز بودن" زندگی اجتماعی امروزی و همچنین تکثریابی زمینه‌های عمل و تنوع "مراجع"، انتخاب شیوه‌ی زندگی بیش از پیش در ساخت هویت شخصی و فعالیت روزمره اهمیت می‌یابد (گیدنز، ۱۳۸۰: ۲۰-۲۱). لذا نوگرایی زندگی اجتماعی افراد را در معرض بازاندیشی پیوسته قرار می‌گیرد. یکی از این حوزه‌ها، خانواده گرایی می‌باشد. آنچه در مورد بازاندیشی در نتیجه نوگرایی می‌تواند در این زمینه مورد توجه باشد، بازاندیشی در رابطه بین اعضای خانواده است. در گذشته روابط اعضای خانواده با هم محدود و در چهارچوب سنت‌های اجتماعی بود اما نوگرایی این محدودیت را برداشته است.

با ترکیب نظریات مطرح شده در بخش چهار چوب نظری مدل تحلیلی تحقیق به شکل زیر ترسیم شده است.

## مدل تحلیلی مولفه‌های اجتماعی و فرهنگی مرتبط با خانواده‌گرایی



با استناد به مدل ترسیم شده تحقیق تبیین جامعه‌شناختی مولفه‌های اجتماعی فرهنگی مرتبط با خانواده‌گرایی در ایران در قالب فرضیات نمود یافته است:

- ۱- بین نوگرایی و خانواده‌گرایی رابطه وجود دارد.
- ۲- بین سبک زندگی و خانواده‌گرایی رابطه وجود دارد.
- ۳- بین سرمایه اجتماعی و خانواده‌گرایی رابطه وجود دارد.
- ۴- بین هویت اجتماعی و خانواده‌گرایی رابطه وجود دارد.
- ۵- بین دینداری و خانواده‌گرایی رابطه وجود دارد.
- ۶- بین تعلق اجتماعی و خانواده‌گرایی رابطه وجود دارد.

### روش تحقیق

رویکرد تحقیق از نوع کمی و در پارادایم اثبات‌گرایی است. روش پژوهش از نوع پیمایشی، توصیفی و تحلیلی است که به بررسی رابطه مولفه‌های اجتماعی و فرهنگی با خانواده‌گرایی می‌پردازد به همین دلیل می‌توان آن را از نوع همبستگی دانست. به منظور به دست

آوردن اطلاعات از پرسشنامه استفاده شده است. که شامل: پرسشنامه استاندارد خانواده گرایی که در این پرسشنامه استاندارد ۱۸ گویه ای برای سنجش بعد نگرشی خانواده گرایی و برای بعد ساختاری و رفتاری خانواده گرایی و سایر متغیرها پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. جامعه آماری پژوهش حاضر، تمامی زنان و مردانی هستند که دارای نقش همسری بوده و خانواده را تجربه کرده و ساکن در شهرهای یاسوج، گچساران و دهدشت می باشند که تعداد آنها براساس سرشماری سال ۱۳۹۵، ۷۵۵۵۶ نفر است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) براساس فرمول کوکران حجم نمونه ۴۲۰ نفر انتخاب شد و با توجه به اینکه جامعه آماری ناهمگن است نمونه گیری سهمیه ای بر اساس محل محل سکونت به نسبت کل خانوارها در سه شهر نسبت به مجموع کل خانوارها محاسبه و با در نظر گرفتن سهم خانواده های هر شهر در نمونه اقدام به تعیین حجم نمونه بر اساس محل سکونت گردید. یاسوج با جمعیت کل ۳۴۸۵۰ و با حجم نمونه کل ۳۹۴ نفر در نسبت ۱۹۱ نفر، گچساران با جمعیت کل ۲۶۶۹۷ نفر ۱۴۷ نفر حجم نمونه و دهدشت با جمعیت ۱۴۰۰۹ نفر حجم نمونه ۸۲ نفر تعیین گردید. داده های که با استفاده از پرسشنامه بدست آمدند با استفاده از نرم افزارهای SPSS21 و Amos23 تجزیه و تحلیل شدند.

### قابلیت اعتماد ابزار اندازه گیری

سنجش پایایی این تحقیق از طریق روش آلفای کرونباخ که به سنجش میزان همسازگی گویه ها در راستای بررسی مفهوم مورد نظر می پردازد و ضریب دقیق برابری تمام تست را در اختیار ما می گذارد انجام گرفته است. در ابتدا برای سنجش پایایی پرسشنامه ۳۰ نفر از پاسخگویان به صورت تصادفی انتخاب و پرسشنامه بین آنها توزیع گردید و با استفاده از نرم افزار SPSS، توسط آزمون آلفای کرونباخ اقدام به محاسبه مقدار ضریب پایایی آلفای کرونباخ شده است. مقادیر بالای آلفا (بالتر از ۰/۷۰) و عدم ناهماهنگی در بین آیتم ها، دلیلی بر مناسب بودن پرسشنامه است. همچنین از روش تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول استفاده شد. براساس مدل عاملی تأییدی می توان گفت گویه های پرسشنامه به خوبی متغیرهای تحقیق را اندازه گیری کردند و کلیه مقادیر  $t$  متناظر با بارهای عاملی مربوط به هر یک از گویه های پرسشنامه مقادیر بزرگی بودند و قدر مطلق آنها از مقدار بحرانی ۱/۹۶ بیشتر بود. لذا کلیه



بارهای عاملی (ضرایب) در سطح خطای ۰/۰۵ معنی‌دار بودند. بزرگ بودن مقادیر بارهای عاملی مربوط به هر یک از گویه‌های پرسشنامه در مدل تحلیل عاملی تأییدی، اندازه‌گیری ابعاد پژوهش را تأیید کرد. نتایج برازندگی تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول توسط نرم‌افزار Amos در جداول نشان می‌دهد که شاخص‌های نکوئی برازش از حد مطلوب و قابل قبولی برخوردار هستند و در مجموع نشان‌دهنده مطلوبیت مدل اندازه‌گیری هستند (بارهای عاملی زیر ۰/۳۰ از مدل خارج می‌شوند و دیگر در تحلیل قرار نمی‌گیرند).

### جدول ۱- نتایج برازندگی تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول برای سازه‌های تحقیق

Index	خانواده گرایی	سیک زندگی	دینداری	نوگرایی	سرمایه اجتماعی	هویت اجتماعی	تعلق اجتماعی
CMIN	۵۸۶/۸۵۸	۶۶۸/۵۷۵	۳۳۲/۹۰۸	۲۷۸/۳۶۵	۵۹۲/۵۹۱	۲۳۵/۹۴۳	۱۱۸/۹۶۵
DF	۳۵۵	۲۸۱	۱۱۱	۷۸	۱۷۳	۹۱	۴۲
P	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
CMIN/DF	۱/۶۵۳	۲/۳۷۹	۲/۹۹۹	۳/۵۶۹	۳/۴۲۵	۲/۵۹۳	۲/۸۳۲
RMR	۰/۰۸۳	۰/۱۳۰	۰/۱۰۸	۰/۰۸۸	۰/۱۱۸	۰/۱۴۱	۰/۰۹۱
GFI	۰/۹۱۸	۰/۸۹۴	۰/۹۱۸	۰/۹۲۳	۰/۸۸۰	۰/۹۳۱	۰/۹۵۱
AGFI	۰/۸۸۵	۰/۸۴۶	۰/۸۷۳	۰/۸۶۵	۰/۸۲۵	۰/۸۸۴	۰/۹۱۰
PGFI	۰/۶۵۷	۰/۶۱۹	۰/۵۹۶	۰/۵۲۹	۰/۶۰۲	۰/۵۵۴	۰/۵۱۲
NFI	۰/۹۰۷	۰/۸۷۹	۰/۸۷۳	۰/۹۲۸	۰/۸۸۲	۰/۹۱۵	۰/۹۵۴
RFI	۰/۸۷۹	۰/۸۳۸	۰/۸۲۵	۰/۸۸۹	۰/۸۴۲	۰/۸۷۳	۰/۹۲۸
PNFI	۰/۶۹۳	۰/۶۵۴	۰/۶۳۳	۰/۶۰۳	۰/۶۶۰	۰/۶۱۲	۰/۶۰۷
CFI	۰/۹۶۰	۰/۹۲۵	۰/۹۱۰	۰/۹۴۷	۰/۹۱۲	۰/۹۴۵	۰/۹۷۰
IFI	۰/۹۶۱	۰/۹۲۶	۰/۹۱۲	۰/۹۴۷	۰/۹۱۳	۰/۹۴۶	۰/۹۷۰
NNFI	۰/۹۴۸	۰/۸۹۹	۰/۸۷۶	۰/۹۱۸	۰/۸۸۳	۰/۹۱۸	۰/۹۵۲
RMSEA	۰/۰۳۹	۰/۰۵۷	۰/۰۶۹	۰/۰۷۸	۰/۰۷۶	۰/۰۶۲	۰/۰۶۶
PCFI	۰/۷۳۳	۰/۶۸۸	۰/۶۶۰	۰/۶۱۵	۰/۶۸۳	۰/۶۳۲	۰/۶۱۷

مقادیر RMSEA مقادیر کوچکی است (از ۰/۰۸ کمتراند) لذا مدل‌ها دارای خطای کمی بوده است. شاخص ریشه میانگین مجذور پسماند RMR نیز در هفت سازه مقدار کوچکی است که بیانگر برازش قابل قبول می‌باشد. نسبت مقدار کای- دو بر درجه آزادی در هفت سازه کمتر از ۵ دارد و نیز نشان‌دهنده مناسب بودن برازش مدل بود. شاخص‌های AGFI، GFI، CFI، IFI، RFI، PNFI و NFI نیز مقادیر مطلوبی داشته و نزدیک به یک هستند و در مجموع نشان‌دهنده مطلوبیت مدل‌های اندازه‌گیری بوده است.

### یافته‌های توصیفی

از میان ۴۲۰ نفر پاسخگو ۵۰/۷ مرد و ۴۹/۳ زن می‌باشند. از نظر میزان درآمد ۳۳/۳ درصد زیر یک میلیون تومان، ۲۹/۳ درصد از یک میلیون ده هزار تومان تا دو میلیون تومان، ۳۴/۵ درصد از دو میلیون ده هزار تومان تا سه میلیون تومان و ۲/۹ درصد از از سه میلیون ده هزار تومان تا چهار میلیون تومان درآمد داشته‌اند. به لحاظ اشتغال، ۵/۲ درصد دانشجو، ۲۵/۷ درصد خانه دار، ۲/۶ درصد سرباز، ۷/۱ درصد بازنشسته، ۵۹/۳ درصد شاغل بوده‌اند. از نظر میزان سواد ۲/۹ درصد بی سواد، ۷/۶ درصد نهضت و ابتدایی، ۳۰/۰ درصد راهنمایی یا سیکل، ۲۲/۱ درصد متوسطه یا دیپلم، ۱۶/۰ درصد فوق دیپلم، ۱۶/۰ درصد لیسانس، و ۵/۵ درصد فوق لیسانس و بالاتر بوده‌اند. از نظر تعداد اعضای خانواده ۲/۶ درصد یک نفره، ۱۰/۷ درصد دو نفره، ۲۱/۴ درصد سه نفره، ۲۱/۵ درصد چهار نفره، ۹/۸ درصد پنج نفره، ۱۲/۶ درصد شش نفره، ۲/۴ درصد هفت نفره، ۱۰/۵ درصد هشت نفره، ۷/۶ درصد ۹ نفره و ۲/۹ درصد ده نفره می‌باشند. همچنین ۱۸/۳ درصد سن ۲۰ تا ۳۰ سال، ۲۹/۸ سن ۳۱ تا ۴۰ سال، ۲۶/۲ درصد سن ۴۱ تا ۵۰ و ۲۵/۷ درصد سن بالاتر از ۵۰ سال داشته‌اند.

## جدول ۲- خلاصه وضعیت آمار توصیفی متغیرهای تحقیق.

شاخص‌های آماری										متغیرها
کشدگی	چولگی	حداکثر	حداقل	دامنه تغییرات	مد	میانه	واریانس	انحراف معیار	میانگین	
-۰/۳۰۸	-۰/۴۶۷	۱۵۰	۶۳	۸۷	۱۲۴	۱۱۷	۲۹۱/۷۶۳	۱۷/۰۸۱	۱۱۴/۲۸	خانواده‌گرایی
-۱/۰۰۹	-۰/۹۱۵	۸۵	۳۲	۵۳	۷۳	۶۷	۱۱۶/۱۵۹	۱۰/۷۷۷	۶۴/۶۹	بُعد نگرشی
۰/۱۱۴	-۰/۶۳۹	۳۰	۱۱	۱۹	۲۷	۲۵	۱۶/۴۹۴	۴/۰۶۱	۲۴/۴۳	بُعد ساختاری
-۰/۴۳۴	-۰/۸۱۲	۳۵	۱۱	۲۴	۲۷	۲۶	۳۰/۲۴۷	۵/۴۹۹	۲۵/۱۵	بُعد رفتاری
۰/۶۵۷	۰/۰۷۱	۱۳۵	۴۵	۹۰	۸۸	۹۲	۱۶۰/۷۱۰	۱۲/۶۷۷	۹۳/۳۸	سبک زندگی
۰/۴۰۷	۰/۳۳۹	۳۵	۱۵	۲۰	۲۵	۲۵	۱۲/۰۵۹	۳/۴۷۲	۲۵/۳۵	مصرف فرهنگی
۰/۹۳۳	-۰/۳۶۲	۲۵	۷	۱۸	۱۹	۱۷	۸/۵۴۴	۲/۹۲۲	۱۷/۳۰	اوقات فراغت
۰/۵۴۶	-۰/۸۶۱	۳۵	۹	۲۶	۲۳	۲۴	۲۳/۱۲۱	۴/۸۰۸	۲۳/۳۲	گرایش‌های مصرف
۰/۹۲۱	۰/۲۴۱	۴۰	۱۴	۲۶	۲۶	۲۷	۱۸/۲۳۰	۴/۲۶۹	۲۷/۳۹	تقسیم کار خانگی
۰/۲۸۸	-۰/۹۹۳	۸۵	۱۷	۶۸	۷۱	۶۲/۵۰	۱۷۱/۹۴۵	۱۳/۱۱۲	۵۹/۹۹	دینداری
۱/۳۴۵	-۰/۲۲۰	۴۰	۸	۳۲	۳۶	۳۱	۴۸/۲۶۷	۹/۹۴۷	۲۹/۹۵	بُعد اعتقادی
-۰/۲۱۴	-۰/۵۶۴	۲۵	۵	۲۰	۲۰	۱۸	۲۲/۲۶۱	۴/۷۱۸	۱۷/۱۲	بُعد مناسکی
-۰/۲۵۰	-۰/۴۱۱	۲۰	۴	۱۶	۱۵	۱۴	۱۴/۵۷۶	۳/۸۱۷	۱۲/۹۱	بُعد پیامدی
۰/۴۱۲	۰/۳۴۴	۸۰	۲۰	۶۰	۳۷	۴۶	۱۲۴/۵۲۲	۱۱/۱۵۸	۴۶/۶۹	نوگرایی
۰/۲۳۰	۰/۵۰۰	۲۵	۶	۱۹	۱۴	۱۳	۱۴/۷۶۱	۳/۸۴۲	۱۳/۷۱	فردگرایی
۰/۰۸۲	۰/۶۳۶	۲۵	۵	۲۰	۱۲	۱۳	۱۸/۸۰۴	۴/۳۳۶	۱۳/۴۷	میل به شهرنشینی
-۰/۱۲۸	-۰/۱۸۴	۳۰	۷	۲۳	۲۱	۲۰	۲۲/۸۰۹	۴/۷۷۵	۱۹/۵۰	میل به تحصیلات عالی
۰/۲۹۳	-۰/۴۵۲	۱۱۰	۴۶	۶۴	۸۱	۸۳/۵۰	۱۳۳/۹۹۸	۱۱/۷۵۷	۸۲/۳۴	سرمایه اجتماعی
۰/۱۹۳	-۰/۸۲۸	۳۰	۸	۲۲	۲۵	۲۴	۱۶/۰۲۶	۴/۰۰۳	۲۲/۸۳	اعتماد اجتماعی
۰/۱۵۲	-۰/۵۳۱	۲۰	۷	۱۳	۱۶	۱۶	۶/۷۵۹	۲/۵۹۹	۱۵/۷۱	مشارکت اجتماعی
۰/۱۹۹	-۰/۱۰۹	۲۵	۱۰	۱۵	۱۸	۱۸	۶/۶۳۶	۲/۵۷۶	۱۷/۵۸	پیشقدمی اجتماعی
۰/۵۴۲	-۰/۸۲۷	۳۵	۱۳	۲۲	۳۰	۲۷	۲۵/۳۹۵	۵/۰۳۹	۲۶/۲۰	حمایت اجتماعی

Skewness  
Kurtosis

۰/۰۷۶	۰/۳۹۰	۶۵	۱۴	۵۱	۳۹	۳۸	۹۸/۵۳۴	۹/۹۲۶	۳۷/۹۰	هویت اجتماعی
۰/۲۹۵	۰/۳۷۸	۵۰	۱۱	۳۹	۲۶	۲۹	۷۱/۷۹۷	۸/۴۷۳	۲۹/۴۰	هویت ملی
-۰/۴۴۴	۰/۲۳۳	۱۵	۳	۱۲	۷	۸	۸/۹۳۳	۲/۹۸۸	۸/۵۰	هویت خانوادگی
۰/۲۴۸	-۰/۲۳۲	۵۵	۱۷	۳۸	۳۷	۳۸	۴۲/۶۲۸	۶/۵۲۹	۳۷/۷۲	تعلق اجتماعی
-۰/۰۴۳	-۰/۳۵۰	۳۰	۸	۲۲	۲۲	۲۰	۲۱/۶۷۳	۴/۶۵۵	۲۰/۲۰	تعلق به ارزشهای جامعه
۰/۶۴۹	-۰/۶۳۴	۲۵	۷	۱۸	۱۷	۱۸	۱۱/۳۰۰	۳/۳۶۱	۱۷/۵۲	تعلق به سرزمین

همان طوری که در جدول شماره ۲ مشاهده می شود، شاخص های آماری تمامی سازه های پژوهش گزارش شده است و پاسخگویان از میزان خانواده گرایی بالایی برخوردارند. میزان چولگی و کشیدگی متغیرها (در بازه +۱ و -۱) نشان می دهد داده ها از توزیع نرمال برخوردار هستند. بنابراین با اثبات نرمال بودن، برای بررسی رابطه بین متغیرها از آزمون های پارامتریک استفاده می شود.

### آمار استنباطی تحقیق

در قسمت استنباطی به بررسی ارتباط بین متغیرها پرداخته می شود. جهت سنجش فرضیه های پژوهش از آزمون رگرسیون به کمک نرم افزار amos استفاده می شود تا میزان تبیین خانواده گرایی توسط متغیرهای پیشین (عوامل اجتماعی و فرهنگی) مورد سنجش قرار گیرد. در آخر مدل معادلات ساختاری پژوهش گزارش می شود. قبل از پرداختن به سنجش فرضیه ها، یک ماتریس همبستگی گزارش خواهد شد تا رابطه بین متغیرها مورد بررسی قرار داده شود.

### جدول ۴- نتایج آزمون ماتریس همبستگی بین سازه های فاصله ای پژوهش

متغیرها	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)	(۶)	(۷)	(۸)	(۹)	(۱۰)
خانواده گرایی (۱)	۱									
سبک زندگی (۲)	۰/۲۶۱**	۱								
دینداری (۳)	۰/۳۹۰**	۰/۲۳۹**	۱							
نوگرایی (۴)	۰/۱۹۴**	۰/۲۸۸**	۰/۱۱۰*	۱						
سرمایه اجتماعی (۵)	۰/۵۱۰**	۰/۲۲۲**	۰/۲۷۷**	۰/۱۳۳**	۱					
هویت اجتماعی (۶)	۰/۱۴۲**	۰/۱۸۸**	۰/۲۵۲**	۰/۲۰۲**	۰/۰۹۶*	۱				
تعلق اجتماعی (۷)	۰/۲۰۶**	۰/۱۴۹**	۰/۰۳۷	۰/۱۴۵**	۰/۲۰۰**	۰/۰۴۷	۱			

n = ۴۲۰ و \* P < ۰/۰۵ \*\* P < ۰/۰۱

بر اساس نتایج جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود که بین خانواده‌گرایی و متغیرهای (سبک زندگی، دینداری، نوگرایی، سرمایه اجتماعی، هویت اجتماعی، تعلق اجتماعی و تعداد اعضای خانواده) رابطه‌ی معناداری وجود دارد و خانواده‌گرایی بیشترین رابطه را با سرمایه اجتماعی دارد ( $P < 0/01$  و  $r = 0/510$ ) و ضریب همبستگی ( $0/5$ ) بین دو متغیر سرمایه اجتماعی و خانواده‌گرایی مثبت و مستقیم است، یعنی هر چه سرمایه اجتماعی افزایش یابد، میزان خانواده-گرایی هم افزایش می‌یابد و بالاتر می‌رود. پس فرض  $H_0$  مبنی بر ناهمبسته بودن سرمایه اجتماعی و خانواده‌گرایی در سطح ۱ درصد رد می‌شود، یعنی این دو متغیر به طور معنی‌داری همبسته هستند.

آزمون فرضیات تحقیق: به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق با توجه به سطح سنجش متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید که برآوردهای مربوط به این ضریب در زیر گزارش شده است.

### جدول ۵- ضریب همبستگی و سطح معناداری محاسبه شده بین متغیرهای مستقل و خانواد گرایی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	همبستگی پیرسون	سطح معناداری	رد یا تایید فرضیه
سبک ندگی	خانواده گرایی	۰/۲۶۱	۰/۰۰۰۱	ردفرض $H_0$ و تایید فرض $H_1$
دینداری	خانواده گرایی	۰/۳۹۰	۰/۰۰۰۱	ردفرض $H_0$ و تایید فرض $H_1$
نوغرایی	خانواده گرایی	۰/۱۹۴	۰/۰۰۰۱	ردفرض $H_0$ و تایید فرض $H_1$
سرمایه اجتماعی	خانواده گرایی	۰/۵۱۰	۰/۰۰۰۱	ردفرض $H_0$ و تایید فرض $H_1$
هویت اجتماعی	خانواده گرایی	۰/۱۴۲	۰/۰۰۰۱	ردفرض $H_0$ و تایید فرض $H_1$
تعلق اجتماعی	خانواده گرایی	۰/۲۰۶	۰/۰۰۰۱	ردفرض $H_0$ و تایید فرض $H_1$

بر اساس نتایج جدول شماره ۵ و ضریب محاسبه شده  $0/261$  و سطح معناداری به دست آمده  $0/0001$  چون مقدار sig در جدول پیرسون برابر با  $0/0001$  است و این مقدار کوچکتر از  $0/05$  است بنابراین فرضیه اول تأیید می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که بین سبک زندگی و خانواده‌گرایی رابطه معناداری وجود دارد مقدار ضریب پیرسون که حاکی از شدت رابطه بین دو متغیر و مثبت آن نیز حاکی از رابطه مستقیم آن است

. بین دینداری و خانواده گرایی با توجه به ضریب همبستگی (۰/۳۹۰) و سطح معناداری به دست آمده ( $\text{sig} = ۰/۰۰۰۱$ ) این مقدار کوچکتر از ۰/۰۵ است بنابراین فرضیه فوق تأیید می شود و می توان نتیجه گرفت که بین دینداری و خانواده گرایی رابطه معناداری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی (۰/۳۹۰) حاکی از شدت رابطه بین دو متغیر و مثبت آن نیز حاکی از رابطه مستقیم آن است.

بین نوگرایی و خانواده گرایی با توجه به ضریب همبستگی (۰/۱۹۴) و سطح معناداری به دست آمده ( $\text{sig} = ۰/۰۰۰۱$ ) بنابراین فرضیه فوق تأیید می شود.

بین سرمایه اجتماعی و خانواده گرایی با توجه به ضریب همبستگی (۰/۵۱۰) و سطح معناداری ۰/۰۰۰۱ رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد.

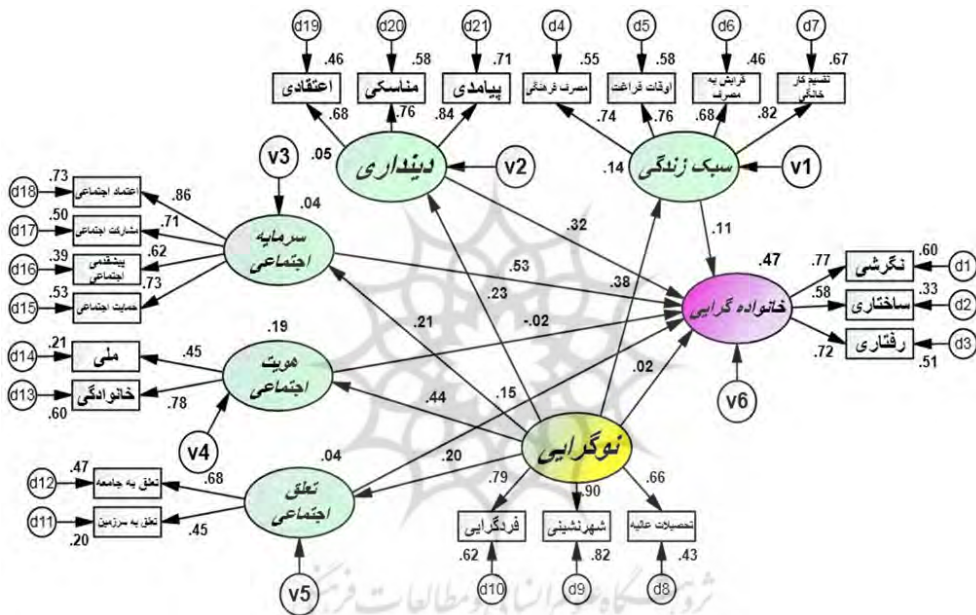
بین هویت اجتماعی و خانواده گرایی رابطه معناداری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی و سطح معناداری نیز برابر با ۰/۱۴۲ است و سطح معناداری ۰/۰۰۰۱ رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد که حاکی از شدت رابطه بین دو متغیر و مثبت آن نیز حاکی از رابطه مستقیم آن است.

بین تعلق اجتماعی و خانواده گرایی رابطه معناداری وجود دارد، مقدار ضریب همبستگی نیز برابر با ۰/۲۰۶ و سطح معناداری ۰/۰۰۰۱ است که حاکی از شدت رابطه بین دو متغیر و مثبت آن نیز حاکی از رابطه مستقیم آن است.

مدل نهایی پژوهش (رابطه نوگرایی بر سازه های سبک زندگی، دینداری، سرمایه اجتماعی، هویت اجتماعی، تعلق اجتماعی و رابطه این سازه ها با خانواده گرایی).

مدل معادله ساختاری ترکیبی از مدل های مسیر و (روابط ساختاری) و مدل های عاملی تاییدی (روابط اندازه گیری) است. در یک مدل معادله ساختاری به معنای عام، پژوهشگر از یک طرف به دنبال آن است که مجموعه ای از متغیرهای پنهان را با مجموعه ای از معرف ها اندازه گیری کرده و از طرف دیگر رابطه ساختاری میان متغیرها را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. هنگامی که داده های به دست آمده از نمونه مورد بررسی به صورت ماتریس همبستگی یا کواریانس درآید و توسط مجموعه ای از معادلات رگرسیون تعریف شود، مدل را می توان با استفاده از نرم افزار Amos تحلیل کرد و برازش آن را برای جامعه ای که نمونه از آن استخراج

شده آزمود. این تحلیل، برآوردهایی از پارامترهای مدل و همچنین چند شاخص برای نیکویی برازش فراهم می‌آورد. برآورد پارامترها و اطلاعات مربوط به نیکویی برازش را می‌توان برای تغییرات احتمالی مدل و آزمون مجدد مدل نظری مورد بررسی قرار داد. به منظور بررسی روابط مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای پژوهش یک مدل فرضی طراحی شد و فرضیه کلی و فرضیه‌های مستقیم و غیرمستقیم آن بررسی شد.



شکل (۱): ضرایب استاندارد مدل پیشنهادی رابطه نوگرایی و سازه‌های سبک زندگی، دینداری، سرمایه اجتماعی، هویت اجتماعی، تعلق اجتماعی و رابطه این سازه‌ها با خانواده‌گرایی (مدل مفروض و قبل از اصلاح)

در شکل‌های بالا، مدل معادله ساختاری به همراه مجموعه برآوردهای استاندارد برای بارهای عاملی و ضرایب تاثیر دیده می‌شود. پس از اجرای برنامه و انجام برآوردها در نرم افزار Amos لازم است که در وهله اول کلیت مدل با استفاده از شاخص‌های برازش کلی و در وهله دوم جزئیات مدل (با استفاده از مقادیر گزارش شده برای پارامترها و معناداری تفاوت آنها با صفر به ویژه برای ضرایب تاثیر) تحلیل شوند. بدین منظور در ابتدا مهمترین جداول مربوط به

شاخص‌های کلی برازش مورد بررسی قرار داده می‌شود و اصلاحات مدل رفع می‌گردد که در جدول زیر اصلاحات مدل ذکر شده است.

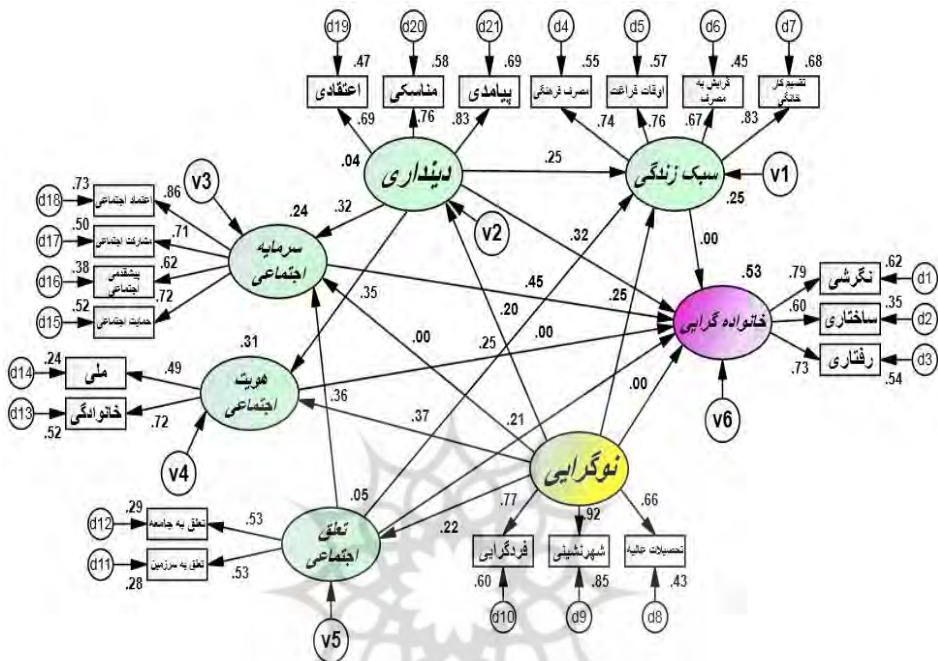
جدول ۶- شاخص‌های برازش نکوئی برای اصلاح مدل.

شاخص‌ها	مدل مفروض	اصلاح اول	اصلاح دوم	اصلاح سوم	اصلاح چهارم	اصلاح پنجم	اصلاح ششم	اصلاح هفتم	اصلاح هشتم	اصلاح نهم
CMIN	۵۹۶/۳۰۱	۵۹۶/۳۸۰	۵۹۶/۴۲۵	۵۶۹/۱۷۹	۵۴۵/۰۹۹	۵۲۴/۶۵۴	۵۱۰/۵۹۵	۵۱۱/۹۲۳	۵۰۲/۰۹۹	۵۰۳/۶۳۳
DF	۱۷۸	۱۷۹	۱۸۰	۱۷۹	۱۷۸	۱۷۷	۱۷۶	۱۷۷	۱۷۶	۱۷۷
P	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
CMIN/DF	۳/۳۵۰	۳/۳۳۲	۳/۳۱۳	۳/۱۸۰	۳/۰۶۲	۲/۹۶۴	۲/۹۰۱	۲/۸۹۲	۲/۸۵۳	۲/۸۴۵
RMR	۲/۲۴۲	۲/۲۴۴	۲/۲۴۱	۱/۸۹۰	۱/۶۵۲	۱/۳۴۱	۱/۲۹۲	۱/۳۱۴	۱/۲۵۲	۱/۲۸۴
GFI	۰/۸۸۲	۰/۸۸۲	۰/۸۸۲	۰/۸۸۸	۰/۸۹۵	۰/۸۹۹	۰/۹۰۳	۰/۹۰۳	۰/۹۰۴	۰/۹۰۴
AGFI	۰/۸۴۷	۰/۸۴۸	۰/۸۴۸	۰/۸۵۵	۰/۸۶۴	۰/۸۶۸	۰/۸۷۳	۰/۸۷۳	۰/۸۷۵	۰/۸۷۵
PGFI	۰/۶۸۰	۰/۶۸۳	۰/۶۸۷	۰/۶۸۸	۰/۶۹۰	۰/۶۸۹	۰/۶۸۸	۰/۶۹۲	۰/۶۸۹	۰/۶۹۳
NFI	۰/۸۲۶	۰/۸۲۶	۰/۸۲۶	۰/۸۳۴	۰/۸۴۱	۰/۸۴۷	۰/۸۵۱	۰/۸۵۰	۰/۸۵۳	۰/۸۵۳
RFI	۰/۷۹۴	۰/۷۹۶	۰/۷۹۷	۰/۸۰۵	۰/۸۱۲	۰/۸۱۸	۰/۸۲۲	۰/۸۲۳	۰/۸۲۵	۰/۸۲۵
PNFI	۰/۷۰۰	۰/۷۰۴	۰/۷۰۸	۰/۷۱۱	۰/۷۱۳	۰/۷۱۴	۰/۷۱۳	۰/۷۱۷	۰/۷۱۵	۰/۷۱۹
CFI	۰/۸۷۰	۰/۸۷۰	۰/۸۷۰	۰/۸۷۹	۰/۸۸۶	۰/۸۹۲	۰/۸۹۶	۰/۸۹۶	۰/۸۹۸	۰/۹۰۰
IFI	۰/۸۷۱	۰/۸۷۱	۰/۸۷۲	۰/۸۸۰	۰/۸۸۷	۰/۸۹۳	۰/۸۹۷	۰/۸۹۷	۰/۹۰۰	۰/۹۰۰
NNFI	۰/۸۴۶	۰/۸۴۸	۰/۸۴۹	۰/۸۵۸	۰/۸۶۵	۰/۸۷۲	۰/۸۷۶	۰/۸۷۶	۰/۸۷۹	۰/۸۷۹
RMSEA	۰/۰۷۵	۰/۰۷۵	۰/۰۷۴	۰/۰۷۲	۰/۰۷۰	۰/۰۶۸	۰/۰۶۷	۰/۰۶۷	۰/۰۶۶	۰/۰۶۶
PCFI	۰/۷۳۷	۰/۷۴۲	۰/۷۴۶	۰/۷۴۹	۰/۷۵۱	۰/۷۵۲	۰/۷۵۱	۰/۷۵۵	۰/۷۵۳	۰/۷۵۷
PRATIO	۰/۸۴۸	۰/۸۵۲	۰/۸۵۷	۰/۸۵۲	۰/۸۴۸	۰/۸۴۳	۰/۸۳۸	۰/۸۴۳	۰/۸۳۸	۰/۸۴۳

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود شاخص‌های برازش مدل وضعیت مطلوبی را نشان می‌دهند. شاخص RMSEA نیز برابر با ۰/۰۶ (کمتر از ۰/۰۸) در دامنه مورد قبول قرار دارد، لذا مدل دارای خطای کمی است. نسبت مقدار کای-دو بر درجه آزادی که برابر ۲/۸۴ است و مقداری کمتر از ۵ دارد و نیز نشان‌دهنده‌ی مناسب بودن برازش مدل می‌باشد. شاخص برازندگی (GFI) نیز مقدار ۰/۹۰ محاسبه شده و به یک نزدیک است. شاخص‌های AGFI, CFI, IFI, RFI, NNFI, NFI نیز مقادیر مطلوبی داشته و نزدیک به یک هستند و در مجموع نشان‌دهنده مطلوبیت مدل اندازه‌گیری می‌باشند. شاخص برازش مقتصد، PCFI نیز بالاتر از ۰/۶۰، که نشان می‌دهد در تعریف پارامترهای آزاد امساک نشان داده شده است و پژوهشگر تلاش نکرده است تا با تعریف بیش از حد پارامترهای آزاد، کای اسکوئر مدل را بیشتر از



مقدار فعلی کاهش دهد و مقدار  $0/90$  برای شاخص CFI نیز حاکی از قابل قبول بودن مدل است.



شکل (۱۴): ضرایب استاندارد مدل پیشنهادی رابطه نوگرایی و سازه‌های سبک زندگی، دینداری، سرمایه اجتماعی، هویت اجتماعی، تعلق اجتماعی و رابطه این سازه‌ها با خانواده‌گرایی (مدل اصلاح شده)

جدول ۷- وزن‌های رگرسیونی (ضرایب تاثیر و بارهای عاملی) غیر استاندارد، استاندارد، نسبت‌های بحرانی و سطح معناداری

مسیرها	برآورد غیر استاندارد	خطای معیار	C. R.	P	برآورد استاندارد (بتا)
نوغرایی	.000				0/000
سبک زندگی	.000				0/000
دینداری	.571	.104	5.503	***	0/322
سرمایه اجتماعی	1.055	.160	6.579	***	0/453
هویت اجتماعی	.000				0/000
تعلق اجتماعی	1.013	.398	2.548	.011	0/211

در جداول مربوط (جدول ۴-۱۹) به طور خلاصه می‌توان کوچکتر بودن مقدار P از ۰/۰۵ را معیاری برای تفاوت معنادار مقدار محاسبه شده با صفر در سطح اطمینان ۹۵٪ دانست. (نماد \*\*\* نشان می‌دهد که  $P < ۰/۰۰۱$  است). مقدار C. R. نیز مقداری است که به نام نسبت بحرانی خوانده می‌شود. این مقدار نشان می‌دهد که در صورت رد فرضیه صفری که مقدار این پارامتر را برابر با صفر قرار می‌دهد، تا چه حد احتمال خطا وجود دارد (در صورتی که قدر مطلق مقدار این نسبت کوچکتر از ۱/۹۶ باشد، پارامتر محاسبه شده فاقد تفاوت معنادار با صفر است) شاخص‌های جزئی و سطح معناداری (P) آنها نشان می‌دهد که همه بارهای عاملی دارای تفاوت معناداری با صفر هستند و بین تمام متغیرها رابطه معناداری وجود دارد. بین متغیرهای اصلی پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ یا ۹۹ درصد رابطه‌ی معناداری وجود دارد یعنی:

- بین نوگرایی و دینداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه‌ی معناداری وجود دارد ( $R = ۰/۱۹۹$  و  $P < ۰/۰۰۱$ ).

- بین نوگرایی و خانواده‌گرایی هیچ رابطه‌ای وجود ندارد.
- بین سبک زندگی و خانواده‌گرایی هیچ رابطه‌ای وجود ندارد.
- بین هویت اجتماعی و خانواده‌گرایی هیچ رابطه‌ای وجود ندارد.
- بین دینداری و خانواده‌گرایی در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- بین تعلق اجتماعی و خانواده‌گرایی در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- و در آخر بین سرمایه اجتماعی و خانواده‌گرایی در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معناداری وجود دارد.

نسبت‌های بحرانی به دلیل ثابت کردن وزن‌های رگرسیونی متغیرهای مرجع گزارش نمی‌شود. با توجه به اثرات غیرمستقیم و مستقیم متغیرهای مستقل بر خانواده‌گرایی، مدل هم‌دارای میانجی‌گری جزئی است و هم‌دارای میانجی‌گری کامل است. در جدول فوق، به جزء ضرایب رد شده، همه ضرایب ساختاری دارای تفاوت معنادار با صفر هستند.

با بررسی ضرایب همبستگی بین هر متغیر درونی و سایر متغیرهایی که تحت تاثیر قرار داده اند (ضرایب تعیین) یعنی همان اعدادی هستند که بالای مستطیل‌ها (متغیرهای آشکار) و هفت

متغیر خانواده‌گرایی، سبک زندگی، دینداری، سرمایه اجتماعی، هویت اجتماعی، تعلق اجتماعی و نوگرایی نوشته شده‌اند. بنابراین می‌توان گفت ۰/۵۲۸ (۵۳ درصد) از واریانس متغیر «خانواده‌گرایی»، توسط سایر متغیرهای (به جزء متغیرهای هویت اجتماعی و سبک زندگی) که در این مدل آن را تحت تاثیر قرار داده‌اند، تبیین و پیش‌بینی می‌شود. بنابراین می‌توان استنباط نمود که متغیرهای دینداری، سرمایه اجتماعی، تعلق اجتماعی و نوگرایی همراه با زیرمقیاس‌های خود بر خانواده‌گرایی تاثیر دارند. ضریب تعیین ۰/۵۲۸ گزارش شده است که نشان می‌دهد این متغیرها همراه با زیرمقیاس‌های خود در مدل، توانسته‌اند ۵۳ درصد از تغییرات خانواده‌گرایی را تبیین و پیش‌بینی کنند و از بین این متغیرها، سرمایه اجتماعی قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده متغیر خانواده‌گرایی است. همچنین در این بررسی تایید زیر بدست آمده است:

۴ درصد از واریانس متغیر «دینداری»، توسط متغیر نوگرایی تبیین و پیش‌بینی شده است. ۵ درصد از واریانس متغیر «دینداری»، توسط متغیر نوگرایی تبیین و پیش‌بینی شده است. ۲۴ درصد از واریانس متغیر «سرمایه اجتماعی»، توسط متغیرهای دینداری و تعلق اجتماعی تبیین و پیش‌بینی شده است، که تعلق اجتماعی پیش‌بینی‌کننده قوی‌تری است. ۳۱ درصد از واریانس متغیر «هویت اجتماعی»، توسط متغیرهای نوگرایی و دینداری تبیین و پیش‌بینی شده است، که نوگرایی پیش‌بینی‌کننده قوی‌تری است. ۲۵ درصد از واریانس متغیر «سبک زندگی»، توسط متغیرهای نوگرایی، دینداری و تعلق اجتماعی تبیین و پیش‌بینی شده است، که هر کدام به یک اندازه پیش‌بینی کرده‌اند.

## بحث و نتیجه‌گیری

خانواده‌گرایی یکی از ارزش‌های وابسته به هر فرهنگی هست که به الگویی از سازمان اجتماعی اشاره میکند، و بر نگرش‌های وفاداری، اعتماد و همکاری بین اعضای خانواده تاکید می‌کند. خانواده‌گرایی نقش مثبت و سازنده‌ای بر سازگاری زوجین و تحکیم وثبات خانواده دارد. عوامل اجتماعی، فرهنگی، نگرش و رفتار کسانی که خانواده را تجربه کرده‌اند تحت تاثیر قرار میدهد. و بر ساختار خانواده تاثیر می‌گذارد. فرایندهای مدرنیته و جهانی شدن به سرعت مرزهای جوامع را در نوردیدند و با رسوخ در آن جوامع از طریق واسطه‌هایی مثل نظام

آموزش مدرن، شهرنشینی، رسانه‌های جمعی، اقتصاد صنعتی، توسعه نظام اداری، شبکه حمل نقل، بهداشت مدرن ... باعث ایجاد دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی در آن جوامع شده اند. جامعه ایران نیز دچار دگرگونی‌های زیادی ناشی از این مدرن گرایی، مدرنیزاسیون؛ جهانی شدن و پیامدهای آن در جامعه و سایر نهادهای اجتماعی است. برخلاف باعصورت این تغییرات در حد ظاهر نیست، بلکه سازه‌های اساسی نیز در حال تغییرند. از جمله این سازه‌ها خانواده گرایی است که با دقت در محتوای آن به این دگرگونی‌ها پی برد.

خانواده ایرانی به لحاظ فرم و محتوا به ساختار جدید با فرم سنتی و محتوای جدید تغییر کرده است، اما کماکان مهم ترین نهاد اجتماعی از دید افراد ایرانی است (آزاد ارمکی، تقی، ۱۳۸۹). به گونه ای که خانواده در کنار دو نهاد دین و دولت کانون اصلی سازماندهی جامعه ایرانی است. برخی خانواده را ضربه گیر مهم اجتماعی می‌دانند، که افراد را در مقابل آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی و روانی حفظ می‌کند. پس سرمایه گذاری در شناخت خانواده در ایران و آسیب‌های وارده بر آن، ارزشی مضاعف دارد. به همین دلیل با وجود جو عاطفی حاکم بر روابط خانواده و جایگاه آن، از «خانواده درمانی» به عنوان روشی برای حل برخی مسائل خانواده سخن به میان می‌آید.

بانگامی به مسایل و آسیب‌های مرتبط با نهاد خانواده، از قبیل افزایش آمارهای طلاق، بالا رفتن سن ازدواج، کاهش عمومیت ازدواج، مسایل ناشی از تقسیم کار خانگی، کاهش در خواست فرزندخواهی، کاهش روابط عاطفی و ... به نظر می‌رسد که محتوای درونی خانواده در بستر فضای ایجاد شده ناشی از دگرگونی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دچار تکانه‌هایی شده است. چنانچه در مقدمه و بیان مسئله ذکر شد استان کهگیلویه و بویراحمد به عنوان یکی از استانهای در حال توسعه نیز بخشی از جامعه ایران است که از مدت‌ها پیش تحت تاثیر پیامدهای مثبت و منفی جریان مدرنیزاسیون و اخیرا جهانی شدن قرار گرفته است. خانواده گرایی یکی از ارزش‌های این منطقه نیز متأثر از این تاثیرات قرار گرفته است.

بررسی تغییر و تحولات خانواده مستلزم شناسایی عواملی است که در سطوح سه گانه خرد، متوسط و کلان موجبات تغییر ارزش‌های خانوادگی را فراهم می‌سازند. در سطح کلان می‌توان به عواملی همچون بالا رفتن سطح آموزش، بالا رفتن وضعیت اقتصادی، افزایش شهرنشینی،

گسترش رسانه‌های جمعی، آسان شدن ارتباط با جهان پیرامون و دریافت اطلاعات از طریق ارتباطات، در سطح متوسط، به پدیده‌هایی همچون روابط بین نهادها، ورود زنان در کنار مردان به بازار کار، در سطح خرد به عواملی همچون بالارفتن سطح انتظارات، دگرگونی در تصور از خود و فردگرایی اشاره کرد. ذکر این نکته ضروری است که ارزش‌های خانواده ایرانی با وجود این که در جریان مدرنیته و جهانی شدن تغییرات و تحولاتی را بجه خود دیده است اما نباید به خانواده به عنوان یک واحد منفعل و پذیرنده صرف این تغییرات نگاه کرد. بلکه خانواده در برخورد با این تغییرات به عنوان (عامل فعال) برخورد می‌کند و نظم اجتماعی جدیدی را شکل می‌دهد. بعلاوه اینکه تاثیر دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی بر ارزش‌های خانواده در خرده فرهنگ‌ها و قومیت‌های مختلف ممکن است به صورتی متفاوت ظاهر شود.

تحلیل و تبیین تغییرات به وجود آمده در ارزش‌های خانوادگی (خانواده‌گرایی)، بین خانواده‌های سه شهر مورد مطالعه استان کهگیلویه و بویراحمد تا اندازه‌ای با نظریه مدرن نیزاسیون و تبیین‌های ارزشی و فرهنگی از تغییرات خانواده امکان پذیر است. هر چند مناسب نظریه مدرنیزاسیون با وضعیت جامعه مورد بررسی با الزاماتی همراه است.

نتایج این پژوهش حاکی از آن است که ارزش‌های خانوادگی از جمله ارزش خانواده‌گرایی در حال تغییر است و این نکته‌ای است که در پژوهش‌های قبلی به ویژه پژوهش امامی اردستانی (۱۳۹۶) در کلان شهر اصفهان تأیید شده است، ولی سرعت تغییر در بسترهای قومی، فرهنگی تحت تاثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی ناشی از پیامدهای مدرنیته و جهانی شدن متفاوت است. البته بر مبنای پژوهش‌های خارجی تغییر ارزش خانواده‌گرایی امری جهانی است و در اکثر جوامع خانواده‌گرایی با شدت و ضعف تغییر کرده است.

با دگرگونی ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران و تغییر نظام هنجاری، حضور جامعه و نیروهای اجتماعی سنتی در زندگی افراد محو و نظارت جامعه بر رفتارهای افراد کمتر شد. این تحولات باعث گسترش فردگرایی، افزایش بی توجهی خانواده‌ها و جامعه، انعطاف پذیری در مسیر زندگی، کاهش روابط عاطفی بین زوجین و برهم خوردن تقسیم کار خانگی شد.

متعاقب این تحولات خانواده ایرانی دچار تغییر ارزشی و نگرشی و رفتاری در درون خود شد. لذا با گذار از ارزش‌های جمع‌گرایی و جامعه محور معطوف به نیازهای اولیه، به

ارزش‌های فردمحور معطوف به نیازهای ثانویه مانند تحقق خویشتن، مصرف فرهنگی، آموزش، مدیریت بدن، دوری از الزامات و تعهدات جمعی خانوادگی، تحول جدیدی در درون خانواده و روابط درونی ارزش‌های خانواده همچون خانواده گرایی تجربه کرده و می‌کند.

دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی از قبیل نوگرایی، سبک زندگی، دینداری، سرمایه اجتماعی، هویت اجتماعی و تعلق اجتماعی افراد تا حدودی بر ارزش‌های خانواده‌های جامعه آماری موثر بوده و خانواده گرایی در ارزش گذاری بر عناصر زندگی برخی از خانواده‌ها، در مقایسه با اشتغال، آموزش، مصرف گرایی، هویت یابی، سبک زندگی، تعلق اجتماعی و سرمایه اجتماعی، ارزش و برتری کمتری دارد.

فراهم شدن ارتباطات با جهان پیرامون در چند دهه اخیر در ایران نشان می‌دهد که برخی از گروه‌های اجتماعی از قبیل طبقات متوسط، روشنفکران، گروه‌های اجتماعی شهری حتی کارگران، کشاورزان و دیگر اقشار روستایی، آگاهی فزاینده‌ای نسبت به رخدادها و جریان‌های زندگی اقصی نقاط جهان پیدا کردند. افزایش آگاهی منجر به بالارفتن سطح توقعات و انتظارات آنها شده است و بر این اساس توقعات خانواده‌های شهری در کنار توجه به کیفیت زندگی بالا رفته است. از این رو تغییرات ارزشی، اجتماعی و فرهنگی و هنجاری ناشی از مدرنیته و جهانی شدن منجر به تغییراتی در مولفه‌های اجتماعی فرهنگی مرتبط با خانواده گرایی شد و زمینه‌های بسیاری برای کاهش خانواده گرایی فراهم شد. نشانه‌ای این تغییرات در ابعاد سه گانه خانواده گرایی از قبیل فراهم شدن زمینه‌های بسیاری برای طلاق، کاهش باروری، و تمایل روبه رشد عدم فرزند آوری، افزایش سن ازدواج، کاهش عومیت ازدواج و... شده است.

در پایان باید اذعان کرد هرچند خانواده در برخورد با مدرنیته و جهانی شدن دچار تحولات و تغییراتی شده است اما بخش فرهنگی خانواده در مقابل این تغییرات از خود مقاومت نشان داده است و این موضوع به نقش با اهمیت سنت‌های فرهنگی حوزه خانواده است. چراکه تغییرات ایجاد شده به صورت هارمونیک همه ابعاد جامعه را تحت تاثیر قرار نداده است.

پیشنهاد می‌شود رابطه هر یک از مولفه‌های اجتماعی و فرهنگی این پژوهش با خانواده و ابعاد آن به صورت جداگانه و دقیق مورد بررسی قرار گیرد تا بتوان تصویر جامع‌تری از خانواده‌گرایی در ایران در ارتباط با این مولفه‌ها به دست آورد.

## منابع

- ۱- آزاد از مکی، تقی (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی خانواده ایرانی، تهران، سمت.
- ۲- امامی اردستانی، پریرخ (۱۳۹۶)، رابطه مدرنیته و خانواده‌گرایی در شهر اصفهان، رساله دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، دانشگاه آزاد واحد دهاقان
- ۳- احمدی، وکیل و همکاران (۱۳۹۰)، بررسی نقش گذار جمعیتی تغییرات جامعه‌شناسی خانواده، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان
- ۴- اعزازی، شهلا (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی خانواده: با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- ۵- ایمان، محمد تقی، روش، مریم (۱۳۹۲)، مقایسه بین نسلی سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در دسترس زنان شهر شیراز، نشریه زن و توسعه سیاست، شماره ۴، ۵۰۹-۵۳۰
- ۶- بهنام، جمشید (۱۳۸۳) تحولات خانواده- پویایی خانواده در حوزه‌های فرهنگی گوناگون، ترجمه: محمدجعفر پوینده، تهران، نشر ماهی.
- ۷- جنادله، علی، رهنما، مریم (۱۳۹۳)، دگرگونی در الگوی متعارف خانواده ایرانی (تحلی ثانویه داده‌های ملی)، فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال دهم، شماره ۳، صص ۲۹۶-۲۷۷
- ۸- جمشیدی‌ها، غلامرضا و همکاران (۱۳۹۲)، نگرش جامعه‌شناختی بر تأثیر فرهنگ مدرن از منظر جنسیتی در تحولات خانواده تهران، نشریه زن در فرهنگ و هنر. دوره ۵، شماره ۲، صص ۱۸۳-۱۹۸
- ۹- درگاه ملی آمار ایران <https://www.amar.org.ir>
- ۱۰- رجبی، غلامرضا، عباس پور دبح‌الله (۱۳۹۲)، بررسی پایایی و روایی نسخه فارسی مقیاس خانواده‌گرایی، فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، شماره ۱۴، سال چهارم، صص ۴۱-۲۵.

- ۱۱- زاهدی، محمد جواد و همکاران، (۱۳۹۲)، تبیین جامعه‌شناختی تأثیر فرایند نوسازی در ساختار خانواده (مقایسه نقا شهری و روستایی در استان مازندران)، مطالعات راهبردی زنان، سال ۱۶، شماره ۶۱، پاییز و زمستان، ۱۳۹۲، صص ۹۷-۱۴۸
- ۱۲- سرایی، حسن، (۱۳۸۵)، تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، شماره ۲، ۶۰ صص ۳۷-۶۰
- ۱۳- سمیعی، محمد (۱۳۹۳)، خانواده در بحران: کشاکش الگوهای سنت و نوگرایی، تهران، انتشارات اطلاعات.
- ۱۴- شکر بیگی، عالیه، تنهایی، حسین ابوالحسن، (۱۳۸۷)، جهانی شدن، تجددگرایی و خانواده در ایران (گذر یا فروپاشی)، فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد آشتیان، سال سوم شماره ۲، صص ۳۳-۵۵
- ۱۵- فرهمند، مهناز و همکاران (۱۳۹۳)، تأثیر مولفه‌های نوگرایی در حمایت خویشاوندی خانواده ای شهر یزد، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره هفتم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۳، ۱۴۹-۱۷۷
- ۱۶- گود، ویلیام جی (۱۳۵۲) خانواده و جامعه، ترجمه و ویدا ناصحی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۱۷- لیبی، محمد مهدی ۱۳۹۳. خانواده در قرن بیست و یکم: از نگاه جامعه‌شناسان ایرانی و غربی، تهران، علم.
- ۱۸- لیبی، مهدی، (۱۳۹۲)، نگرشی نوین به تحول ارزش‌های خانوادگی در ایران، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۶۴، صص ۳۷-۳۲
- ۱۹- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵) نتایج تفصیلی نفوس و مسکن استان کهگیلویه و بویراحمد.
- 20- Abbasi-Shavazi, M. J. and P. McDonald. (2007). Family Change in Iran religion, Revolution, and the state, in R. Jayakody, A. Thornton. andw Axinn (eds. ), international Family Change: Ideational perspectives. New York: Taylor & Francis Group, LLC, pp: 177-198 .
- 21- Toren, N (2003), Tradition and Transition: Family change in Israel, journal of Gender Issues, vol. 21, Pp: 60-76 .
- 22- Thornton, A, G. Binsrok and D. Ghimire (2004), International Networks, Ideas, and Family Change, University of Michigan, Population Studies



- Center, Report NO. 04- 566 .
- 23- Ponzetti, J. J. (2003). International encyclopedia of marriage and family Second edition. New York. The Gale Group, Inc
- 24- Good, W (1963), world Revolution and family Patterns, London: Freepress of Glencoe .
- 25- Lesthaeghe, Ron (2006), Second Demographic Transition, U. S, March, population and development review, 2006, P62 .
- 26- Labibi, MM (2013). A New Approach to the Development of Family Values in Iran
- 27- Losada A, Knight BG, Márquez-González M, Montorio I, Etxeberría I, Peñacoba C (2008Jul). Confirmatory factor analysis of the familism scale in a sample of dementia caregivers Aging Ment Health. ;12(4):504-8. Retrieved from: doi:10. 1080/13607860802224227 PubMed: 18791899 .
- 28- Sayegh, P. , & Knight, B. G. (2010). The effects of familism and cultural justification on the mental and physical health of family caregivers Psychological Sciences, 10, 1-12
- 29- shwartz, ssthj, the applicability of familism diverse ethnic groups: 2007, the journal of social psychology 147(2), 101-118-





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی